

تأثیر شبکه‌سازی و حمایت‌های اقتصادی بر توانمندسازی زنان افغانستان پس از ۲۰۲۱

خاطره شمس رُفق؛

عضو آکادمی رهبری زنان

چکیده

پس از تحولات سیاسی سال ۲۰۲۱ در افغانستان، موقعیت اجتماعی و اقتصادی زنان به‌طور چشم‌گیری دستخوش تغییرات شد. محدودیت‌های اعمال‌شده بر آموزش، اشتغال و مشارکت‌های اجتماعی، چالش‌هایی عمیق در مسیر توانمندسازی زنان ایجاد کرده است. با این حال، در بستر این محدودیت‌ها، شبکه‌سازی‌های حرفه‌ای، اجتماعی و دیجیتال در کنار حمایت‌های اقتصادی هدفمند از سوی نهادهای داخلی و بین‌المللی، به عنوان ابزارهایی مهم برای ارتقای ظرفیت و خوداتکایی زنان ظاهر شده‌اند. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش کلیدی این عوامل در افزایش دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی، توسعه مهارت‌ها و تقویت تاب‌آوری اجتماعی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ایجاد ارتباطات پویا، همراه با حمایت‌های مالی و مشاوره‌ای پایدار، می‌تواند مسیر جدیدی برای بازسازی جایگاه زنان در ساختار اجتماعی افغانستان فراهم کند. این مطالعه با ارائه راهکارهای کاربردی برای نهادهای حامی زنان، به‌ویژه در شرایط بحران، به دنبال ترسیم مدلی مؤثر برای توانمندسازی زنان در جوامع محدودکننده است.

در میان چالش‌های بزرگ، زنان افغان به ساختن، حفظ و توسعه تجارت خود ادامه می‌دهند افغانستان خانه انبوهی از زنان با استعداد و تاب‌آور است که پتانسیل فوق‌العاده‌ای برای رشد اقتصادی و ایجاد تغییرات مثبت در جوامع خود دارند. با این حال، از زمان تصاحب قدرت در آگست ۲۰۲۱، چالش‌های پیش روی زنان افغان تشدید شده است - از جمله محدودیت‌های بوروکراتیک، اقتصادی، و فرهنگی، در کنار تبعیض‌های جنسیتی.

آخرین گزارش UNDP از نظرات و دیدگاه‌های کسب‌وکارها و کارآفرینان تحت رهبری زنان در کشور استفاده می‌کند تا بینش‌هایی را نه تنها در مورد چالش‌هایی که با آن‌ها روبرو هستند، بلکه فرصت‌ها و نقاط ورود شرکای ملی و بین‌المللی و ذی‌نفعان را برای حمایت از ادامه بقا و رشد آنها جمع‌آوری کند.

ما معتقدیم که کارآفرینی زنان محرک اصلی رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی و برابری جنسیتی در افغانستان است. زنان کارآفرین نه تنها فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کنند و برای خود و خانواده‌هایشان درآمد ایجاد می‌کنند، بلکه به تاب‌آوری و بهبودی جوامع خود و کل کشور کمک می‌کنند.

ما امیدواریم که این گزارش به عنوان یک منبع ارزشمند و یک کاتالیزور برای اقدام برای همه کسانی باشد که متعهد به حمایت از کارآفرینی زنان در افغانستان هستند. این گزارش به زنان کارآفرین افغان تقدیم شده است.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی زنان، شبکه‌سازی اجتماعی و حرفه‌ای، حمایت‌های اقتصادی، مشارکت زنان، محدودیت‌ها، خوداتکایی زنان، فرصت‌های اقتصادی، تاب‌آوری اجتماعی، توسعه مهارت‌ها، نهادهای حامی زنان، جوامع بحران‌زده.

پس از تحولات سال ۲۰۲۱ در افغانستان، زنان این کشور با چالش‌های متعددی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی روبه‌رو شده‌اند. محدودیت‌های اعمال شده بر حقوق و آزادی‌های آنان، به‌ویژه در بخش اشتغال و تحصیلات، تأثیرات عمیقی بر توانمندسازی اقتصادی و مشارکت آنان در جامعه داشته است. در چنین شرایطی، شبکه‌سازی و حمایت‌های اقتصادی به عنوان دو عامل کلیدی می‌توانند زمینه‌ساز بهبود وضعیت زنان و افزایش قدرت تصمیم‌گیری و استقلال مالی آنان شوند.

شبکه‌سازی، که شامل ایجاد ارتباطات مؤثر بین زنان کارآفرین، نهادهای حمایت‌کننده، سرمایه‌گذاران و بازارهای محلی و بین‌المللی است، می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای توسعه کسب‌وکارهای زنان فراهم کند. از سوی دیگر، حمایت‌های اقتصادی همچون اعطای وام‌های خرد، آموزش‌های کارآفرینی و تسهیل دسترسی به منابع مالی، نقشی اساسی در رشد پایدار زنان در عرصه‌های اقتصادی دارد. این مقاله به بررسی تأثیر شبکه‌سازی و حمایت‌های اقتصادی بر توانمندسازی زنان افغانستان پس از ۲۰۲۱ پرداخته و به دنبال شناسایی راهکارهای مؤثر برای تقویت نقش زنان در اقتصاد این کشور است.

مباحث نظری

توانمندسازی زنان: توانمندسازی زنان به معنای فرآیند ارتقاء ظرفیت زنان برای تصمیم‌گیری مستقل، کنترل منابع، مشارکت فعال در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، و دستیابی به برابری فرصت‌ها و حقوق با مردان است. این مفهوم بر ایجاد شرایطی تأکید دارد که در آن زنان بتوانند بدون محدودیت‌های ساختاری، فرهنگی یا قانونی، پتانسیل‌های خود را در تمامی ابعاد زندگی شکوفا کنند. سازمان ملل متحد توانمندسازی را ابزاری کلیدی برای دستیابی به توسعه پایدار، کاهش فقر و تقویت عدالت اجتماعی می‌داند. به‌ویژه در جوامع بحران‌زده مانند افغانستان، توانمندسازی زنان نقش محوری در بازسازی اجتماعی و اقتصادی کشور ایفا می‌کند.

یکی از موانع اصلی برای توانمندسازی زنان در افغانستان، وضعیت نگران‌کننده آموزشی و جنسیتی است. نرخ باسوادی زنان در سال ۲۰۲۱ تنها ۲۳ درصد بود. این در حالی‌ست که کشورهای همسایه مانند ازبکستان و ایران به ترتیب نرخ باسوادی ۱۰۰ و ۸۵ درصدی برای زنان دارند.

همچنین، بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۲۲، افغانستان در میان ۱۶۶ کشور، در رتبه ۱۶۲ قرار گرفته است. گرچه نرخ ثبت‌نام دختران در مکاتب متوسطه از ۱۳ درصد در سال ۲۰۰۳ به ۵۵ درصد در سال ۲۰۱۸ افزایش یافت، اما چالش‌های عمده‌ای به‌ویژه پس از تحولات سیاسی اخیر همچنان پابرجاست.

طی دو دهه گذشته (۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱)، اقتصاد افغانستان به شدت متکی بر کمک‌های بین‌المللی بوده است. در اواخر دهه ۲۰۰۰، این کمک‌ها به بیش از ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی رسیده و تا سال ۲۰۲۰ به حدود ۲۱ درصد کاهش یافته بود.

در همین دوره، ساختار اقتصاد از زراعت محور به سمت خدمات محور تغییر یافت. سهم بخش کشاورزی کاهش یافت و در مقابل، خدماتی مانند حمل و نقل و ذخیره سازی، بیش از نیمی از GDP را به خود اختصاص دادند.

شاخص پیچیدگی اقتصادی که نشان دهنده تنوع و سطح فناوری صادرات است، از ۰.۳۲ در سال ۲۰۰۱ به ۰.۸۳ در سال ۲۰۲۰ کاهش یافت که یکی از شدیدترین افت‌ها در میان کشورهای در حال توسعه به شمار می‌رود.

از تحولات سیاسی آگست ۲۰۲۱ در افغانستان، فعالیت‌های تجاری زنان کارآفرین با کاهش چشم‌گیری مواجه شد. داده‌های این گزارش که از طریق مصاحبه‌های کیفی، نشست‌های گروهی متمرکز و یک نظرسنجی کمی جمع‌آوری شده‌اند، تصویری جامع از چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تحت رهبری زنان ارائه می‌دهد. این کسب‌وکارها عمدتاً در بخش‌های قالین‌بافی، خشکبار، زعفران و تولید عسل فعالیت دارند - بخش‌هایی که از پتانسیل بالایی برای رشد اقتصادی و صادرات برخوردارند.

در پی وقایع آگست ۲۰۲۱، بسیاری از این کسب‌وکارها فعالیت خود را به‌طور موقت متوقف کردند، اما در ادامه با ظرفیتی محدود، فعالیت‌های‌شان را از سر گرفتند. کاهش تقاضا به‌عنوان مهم‌ترین عامل کاهش درآمد در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ توسط ۳۴ نفر از مجموع ۴۸ پاسخ‌دهنده در مصاحبه‌های عمیق، شناسایی شد. با این حال، جنبه‌ای مثبت نیز در نتایج مشهود بود: ۶۶٪ از پاسخ‌دهندگان افزایش فعالیت‌های تجاری خود را گزارش کردند. این رشد عمدتاً ناشی از کمک‌های مالی اهداکنندگان (۵۹٪)، افزایش تقاضا (۴۴٪) و بهبود کیفیت محصولات (۴۳٪) بوده است.

در مقابل، ۱۴٪ از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که سطح فعالیت‌های تجاری‌شان کاهش یافته است؛ از این میان، ۲۱٪ علت این کاهش را محدودیت‌های مربوط به تحرک زنان عنوان کردند. با وجود این محدودیت‌ها، زنان کارآفرین راه‌حل‌های خلاقانه‌ای برای سازگاری با محیط نامناسب کسب‌وکار یافته‌اند؛ از جمله تولید در فضای خانه، ارائه خدمات در محیط‌های امن برای زنان، یا تمرکز بر تولید پوشاک سنتی.

علاوه بر چالش‌های عملیاتی، مسئله تبعیض در دسترسی به اعتبار نیز یکی از موانع جدی برای پیشبرد کسب‌وکارهای زنان است. در حدود ۱۹٪ از شرکت‌های مورد بررسی، به تبعیض در دریافت قرضه و سرمایه اشاره کردند. همچنین، ۹ نفر از ۴۳ پاسخ‌دهنده مصاحبه‌های عمیق، محدودیت‌های فیزیکی در تعامل با مشتریان و تأمین‌کنندگان را عاملی دانستند که آن‌ها را از منابع مالی ضروری محروم کرده است. در صناعی مانند قالین‌بافی که نیاز به سرمایه در گردش بالایی دارند، بسیاری از عمده‌فروشان که پیش‌تر نقدینگی اولیه را تأمین می‌کردند، اکنون به دلیل فشارهای سیاسی و اجتماعی، از ادامه همکاری با زنان کارآفرین خودداری می‌کنند.

در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، کمک‌های خارجی نقش مهمی در توسعه افغانستان ایفا کرد، اما وابستگی شدید به این منابع مانع رشد پایدار شد. با کاهش این کمک‌ها، ساختار اقتصادی کشور از حالت زراعت محور به خدمات محور تغییر یافت و

شاخص‌های پیچیدگی اقتصادی و سرمایه انسانی به شدت کاهش یافت. نابرابری جنسیتی همچنان یکی از چالش‌های اصلی کشور است؛ در سال ۲۰۲۲ افغانستان در رتبه ۱۶۲ از میان ۱۶۶ کشور در شاخص نابرابری جنسیتی قرار گرفت.

چالش‌ها و تحولات در فعالیت‌های مالی و بازار زنان کارآفرین

بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از ۴۸ زن کارآفرین، ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان (۹ نفر) عدم انطباق خدمات بانکی با اصول شرعی را به عنوان مانعی برای دریافت قرضه عنوان کردند. همچنین ۹ نفر دیگر از همین تعداد، به محدودیت‌های تحرک زنان در فضاهای عمومی به عنوان یکی از دلایل اصلی محرومیت از خدمات مالی اشاره داشتند. برای ۷ نفر از شرکت‌کنندگان نیز، نرخ بالای بهره بانکی مانع مهمی در مسیر دریافت تسهیلات مالی تلقی می‌شد.

در ادامه، بحث‌های گروهی متمرکز که در اگست ۲۰۲۳ با مشتریان زن مؤسسات مالی خرد (MFI) انجام شد، چالش‌های دیگری را برجسته ساخت. از جمله این چالش‌ها می‌توان به مشکل در تأمین ضامن‌های مالی و دریافت تأییدیه از شوراها محلی اشاره کرد. با آنکه تمام مؤسسات مالی به ثبت رسمی یا مجوز قانونی نیاز ندارند، اما بانک‌هایی که در زمینه اعطای قرضه‌های متوسط یا بزرگ فعالیت می‌کنند، چنین اسنادی را برای همکاری ضروری می‌دانند.

در بازه زمانی ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲، ۳۴ کسب‌وکار از میان ۴۸ کسب‌وکار تحت رهبری زنان که در بخش‌هایی مانند قالین‌بافی، زعفران، عسل و سنگ‌های قیمتی فعال بودند، کاهش چشم‌گیری در تقاضای داخلی برای محصولات خود گزارش کردند. در بخش پوشاک نیز، بسیاری از زنان کارآفرین با کاهش تقاضا برای لباس‌های زنانه، به‌ویژه یونیفرم‌های مدرسه و لباس‌های رسمی، مواجه شده‌اند؛ مسئله‌ای که مستقیماً با ممنوعیت آموزش و اشتغال برای دختران و زنان مرتبط است. برخی از پاسخ‌دهندگان، در واکنش به این تغییر، تغییر تولیدات خود به حجاب و برقع را گزارش داده‌اند.

با این حال، نتایج نظرسنجی سال ۲۰۲۴ بارقه‌هایی از امید را نشان می‌دهد. بر اساس این نظرسنجی، ۶۶ درصد از شرکت‌های کوچک و متوسط تحت رهبری زنان معتقدند که فضای کسب‌وکار در مقایسه با سال گذشته بهبود یافته است. از جمله مهم‌ترین دلایل این بهبود، ۵۹ درصد کاهش هزینه‌های عملیاتی ناشی از کمک‌های اهدایی، ۴۴ درصد افزایش تقاضا و ۴۳ درصد ارتقای کیفیت محصول عنوان شده‌اند. دیگر عوامل مؤثر عبارت بودند از کاهش قیمت محصولات (۲۹٪)، دسترسی به نهاده‌های ارزان‌تر (۱۳٪) و کاهش رقابت در بازار (۹٪).

ممنوعیت تحصیل دختران بالای ۱۲ سال، بیش از ۱۰۱ میلیون دانش‌آموز دختر را از آموزش رسمی محروم کرده است. ۸۰٪ دختران در سن تحصیل از مدرسه بازمانده‌اند. نرخ باسوادی زنان تنها ۲۳٪ گزارش شده که در مقایسه با کشورهای همسایه، فاصله معناداری دارد. مشارکت زنان در نیروی کار نیز طی سال‌های اخیر کاهش یافته و از ۲۱٪ در سال ۲۰۱۹ به ۱۸٪ در سال ۲۰۲۱ رسیده است. بسته‌شدن مکان‌هایی چون سالن‌های زیبایی و محدودیت‌های جدید شغلی نیز به کاهش بیشتر سهم زنان در بازار کار انجامیده است.

بخش خصوصی افغانستان عمدتاً متشکل از کسب و کارهای کوچک است و حدود ۸۰٪ فعالیت‌های اقتصادی کشور به صورت غیررسمی انجام می‌شود. تنها ۳٪ از بخش خصوصی در سال ۲۰۲۰ توانسته‌اند از اعتبار داخلی استفاده کنند. طبق داده‌های سال ۲۰۱۸، تنها ۲٪ از مالکان کسب و کارها را زنان تشکیل می‌دهند. از بین ۵۶۹۱۰ تجارت ثبت شده تحت رهبری زنان، تنها درصد اندکی دارای مجوز رسمی بوده‌اند. در سال ۲۰۲۴، ۶۴٪ از کسب و کارهای تحت رهبری زنان همچنان فاقد مجوز هستند. بیشتر این شرکت‌ها در مناطق روستایی و مرزی قرار دارند و تجارت فرامرزی نقش مهمی در بقا و رشد آن‌ها ایفا می‌کند.

در آخر فعالیت‌های مالی و بازار زنان کارآفرین در افغانستان پس از آگست ۲۰۲۱ با چالش‌های متعددی مواجه شده است. محدودیت در دسترسی به منابع مالی، نبود محصولات بانکی مطابق با شریعت، نرخ بالای بهره، و دشواری در یافتن ضامن‌های قابل قبول از جمله موانع اصلی بوده‌اند. همچنین، کاهش تقاضا برای محصولات داخلی، تغییر در نیاز بازار به ویژه در بخش پوشاک، و تبعیض در تعاملات اقتصادی، دسترسی زنان به بازار را محدود کرده است. با این حال، برخی تحولات مثبت نیز دیده شده است؛ از جمله افزایش نسبی تقاضا، حمایت مالی نهادهای بین‌المللی، و تلاش زنان برای سازگاری با شرایط از طریق نوآوری و تغییر در نوع محصولات تولیدی.

کاهش صادرات، تبعیض عملیاتی و چالش‌های امنیتی برای زنان کارآفرین

در سال ۲۰۲۲، چهارده نفر از مجموع ۴۹ زن کارآفرین، کاهش صادرات را گزارش دادند. این کاهش عمدتاً ناشی از محدودیت در سیستم‌های پرداخت بین‌المللی و بسته شدن مسیرهای هوایی بود. به دنبال این تغییرات، زنان صادرکننده در حوزه‌های قالین بافی، تولید عسل، زعفران، خشکبار و آجیل نتوانستند محصولات خود را به مشتریان پیشین در کشورهای نظیر کانادا، امارات، آلمان، هند، کویت، روسیه و ایالات متحده صادر کنند.

طبق نظرسنجی سال ۲۰۲۴، تنها درصد محدودی از شرکت‌های کوچک و متوسط تحت رهبری زنان به بازارهای بین‌المللی دسترسی دارند. در حالی که ۹۳ درصد از این شرکت‌ها محصولات خود را صرفاً در داخل افغانستان به فروش می‌رسانند، تنها ۲ درصد هم‌زمان در بازارهای داخلی و بین‌المللی فعال‌اند، و فقط ۴ درصد تمرکز کامل بر صادرات دارند. یکی از پیامدهای این کاهش، از دست رفتن مشتریان اروپایی توسط تولیدکنندگان فرش و انتقال آنان به بازارهای رقیب مانند پاکستان بوده است؛ امری که به شکل مستقیم باعث افت سهم بازار و کاهش اشتغال در این کسب و کارها شده است.

از سوی دیگر، تبعیض ساختاری و اجتماعی یکی از موانع عمده پیش روی فعالیت‌های اقتصادی زنان کارآفرین باقی مانده است. طبق یافته‌های پژوهش، ۳۶ نفر از ۴۹ پاسخ‌دهنده به چالش‌هایی اشاره کرده‌اند که ریشه در تبعیض جنسیتی دارند؛ از جمله ممنوعیت سفر زنان به بازارهای محلی، دیگر ولایات یا خارج از کشور بدون همراهی محرم (شوهر یا یکی از اعضای مذکر خانواده). در فضای فعلی سیاسی کشور، بسیاری از تأمین‌کنندگان، عمده‌فروشان و بازرگانان نیز، تحت فشارهای غیررسمی و ابهام در سیاست‌های موجود، تمایل خود را برای تعامل با زنان کارآفرین از دست داده‌اند.

در کنار این چالش‌ها، نگرانی‌های امنیتی همچنان یکی از موانع جدی برای راه‌اندازی و ادامه فعالیت‌های تجاری توسط زنان به‌شمار می‌رود. در مصاحبه‌های عمیق سال ۲۰۲۲، بیش از نیمی از زنان کارآفرین شرکت‌کننده، احساس ناامنی جدی در هنگام راه‌اندازی یا توسعه کسب‌وکارشان داشتند. این احساس ناامنی عمدتاً از محدودیت‌های تازه بر فعالیت زنان و نبود فضای امن کاری نشأت می‌گیرد که در نهایت تأثیر منفی مستقیمی بر بهره‌وری و سطح تولید این کسب‌وکارها گذاشته است.

در نتیجه پس از آگست ۲۰۲۱، صادرات شرکت‌های تحت رهبری زنان به دلیل بسته شدن مسیرهای هوایی و محدودیت‌های مالی کاهش یافت. تنها ۶٪ از این شرکت‌ها همچنان در بازارهای بین‌المللی فعال‌اند. تبعیض جنسیتی، از جمله ممنوعیت سفر بدون محرم و بی‌اعتمادی تأمین‌کنندگان، دسترسی زنان به بازار و منابع مالی را محدود کرده است. همچنین، نگرانی‌های امنیتی و عدم وجود محیط کار ایمن، موانع جدی در برابر فعالیت‌های تجاری زنان ایجاد کرده است.

در مجموع، کاهش دسترسی به بازارهای بین‌المللی، موانع ساختاری ناشی از تبعیض‌های جنسیتی، و چالش‌های امنیتی، سه عامل اصلی محدودکننده رشد و پایداری کسب‌وکارهای تحت رهبری زنان پس از تحولات سیاسی اخیر در افغانستان به‌شمار می‌روند. این عوامل نه تنها ظرفیت صادراتی را تضعیف کرده‌اند، بلکه مشارکت زنان در زنجیره‌های تأمین و بازارهای رقابتی را نیز به شدت محدود ساخته‌اند. با وجود این موانع، تاب‌آوری و انطباق خلاقانه زنان کارآفرین نشانه‌ای از پتانسیل بالقوه برای احیای اقتصادی با حمایت‌های هدفمند است.

افغانستان پس از ۲۰۲۱: زمینه‌سازی برای بررسی وضعیت زنان کارآفرین

تحولات سیاسی ماه اوت سال ۲۰۲۱، که منجر به روی کار آمدن دوباره «امارت اسلامی» در افغانستان شد، نقطه عطفی در مسیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی این کشور محسوب می‌شود. با خروج نیروهای بین‌المللی و تغییر رژیم، افغانستان وارد مرحله‌ای از عدم قطعیت، بحران اقتصادی و انزوای بین‌المللی شد. این تغییرات نه تنها ساختارهای اداری و حکومتی را دگرگون ساخت، بلکه به طور مستقیم بر بخش‌های حیاتی زندگی شهروندان، به‌ویژه زنان، تأثیر گذاشت.

از منظر اقتصادی، افغانستان با کاهش شدید سرمایه‌گذاری خارجی، توقف کمک‌های بین‌المللی، فروپاشی نظام بانکی، و کاهش ارزش پول ملی مواجه شد. این وضعیت، اقتصاد وابسته به کمک را به رکود کشاند و بخش خصوصی، به‌ویژه کسب‌وکارهای خرد و متوسط تحت رهبری زنان، بیشترین آسیب را متحمل شدند.

از منظر اجتماعی، سیاست‌های جدید منجر به محدودیت شدید برای مشارکت زنان در عرصه‌های آموزشی، شغلی و عمومی شد. ممنوعیت آموزش دختران در سطوح متوسطه و عالی، منع اشتغال زنان در اکثر نهادهای دولتی و خصوصی، و محدودیت‌های گسترده در آزادی‌های فردی، فضای عمومی را برای فعالیت زنان به شدت تنگ‌تر کرده است. این محدودیت‌ها به‌طور خاص اثرات مضاعفی بر زنان کارآفرین و صاحبان مشاغل گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از آن‌ها ناچار به تعطیلی، کاهش فعالیت یا انتقال کسب‌وکار خود به فضای خانگی شده‌اند.

با وجود این شرایط، شواهدی از تاب‌آوری و انطباق زنان کارآفرین با شرایط جدید نیز قابل مشاهده است. زنان با بهره‌گیری از شبکه‌های غیررسمی، سازگاری با تولیدات خانگی، تغییر نوع محصول، و تعامل با نهادهای بین‌المللی تلاش کرده‌اند تا حضور خود را در اقتصاد حفظ کنند. این پویایی‌ها، علی‌رغم محدودیت‌های گسترده، نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه‌ای برای توانمندسازی مجدد زنان با بهره‌گیری از سیاست‌های حمایتی و ابتکارات شبکه‌سازی اقتصادی است.

پس از تحولات آگست ۲۰۲۱، افغانستان وارد یک بحران انسانی و اقتصادی گسترده شد. کاهش ناگهانی کمک‌های بین‌المللی که پیش از آن حدود ۷۵ درصد از هزینه‌های دولتی و ۴۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور را تشکیل می‌داد، باعث کمبود نقدینگی، کاهش ارزش پول ملی، افزایش تورم، افت تولید و بی‌ثباتی شدید اقتصاد کلان شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که تولید ناخالص داخلی افغانستان در سال ۲۰۲۲، با کاهش ۶.۲ درصدی مواجه شد.

با وجود بهبود نسبی امنیت در سطح کشور، بخش خصوصی همچنان از محدودیت‌های مالی و تقاضای سرکوب‌شده آسیب دیده است. طبق نظرسنجی سریع بانک جهانی در سال ۲۰۲۳، بیش از ۵۷ درصد شرکت‌ها با ظرفیت کمتر یا حتی به صورت نیمه‌تعطیل فعالیت می‌کردند. داده‌ها نشان می‌دهد که کسب‌وکارهای تحت رهبری زنان بیشترین آسیب را از این تحولات دیده‌اند.

پس از آگست ۲۰۲۱، افغانستان با بحران شدید اقتصادی و انسانی مواجه شد. تولید ناخالص داخلی (GDP) در سال ۲۰۲۲ به میزان ۶.۲ درصد کاهش یافت. قطع ناگهانی کمک‌های بین‌المللی که پیش از این حدود ۷۵٪ از بودجه کل کشور را تأمین می‌کرد، موجب کمبود نقدینگی، تورم، کاهش ارزش پول ملی و رکود فعالیت‌های تجاری و تولیدی شد. به‌رغم بهبود نسبی امنیت، بخش خصوصی تحت تأثیر محدودیت‌های مالی و کاهش قدرت خرید مصرف‌کنندگان، با کاهش ظرفیت تولید مواجه بود. در نظرسنجی بانک جهانی در سال ۲۰۲۳، ۵۷٪ از شرکت‌ها با ظرفیت کاهش‌یافته یا در حالت تعطیلی فعالیت داشتند. مشاغل تحت رهبری زنان بیشترین آسیب را از این تحولات متحمل شده‌اند.

شبکه‌سازی اجتماعی و حرفه‌ای

شبکه‌سازی اجتماعی و حرفه‌ای یکی از مؤلفه‌های کلیدی در رشد و پایداری فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان کارآفرین، به شمار می‌رود. این مفهوم به ایجاد و توسعه روابط انسانی، حرفه‌ای و سازمانی اطلاق می‌شود که می‌تواند منجر به تبادل اطلاعات اقتصادی، دسترسی به منابع، حمایت روانی و مالی، فرصت‌های بازار و تقویت ظرفیت‌های فردی و جمعی گردد.

در فضای اقتصادی افغانستان، به‌ویژه پس از تحولات سیاسی ۲۰۲۱، شبکه‌سازی برای زنان کارآفرین اهمیت دوچندان یافته است. در شرایطی که دسترسی به نهادهای رسمی، منابع مالی سنتی و بازارهای فیزیکی برای زنان محدود شده، شبکه‌های غیررسمی، آنلاین، محلی و فراملی به ابزاری مؤثر برای پیوند مجدد آنان با بازار، مشتریان و منابع تبدیل شده‌اند.

شبکه‌سازی حرفه‌ای همچنین بستری فراهم می‌سازد برای یادگیری تجربیات موفق، ارتقاء مهارت‌ها، همکاری‌های مشترک، و افزایش اعتماد به نفس زنان در مواجهه با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی. در همین راستا، حضور در انجمن‌های تخصصی، نمایشگاه‌های مجازی، پلتفرم‌های دیجیتال و گروه‌های حمایتی منطقه‌ای می‌تواند جایگزین مناسبی برای ساختارهای سنتی از دست‌رفته تلقی شود.

از دیدگاه نظری، شبکه‌سازی با نظریه‌های سرمایه اجتماعی (Social Capital) پیوند دارد؛ جایی که روابط انسانی نه تنها به عنوان ابزار تعامل بلکه به عنوان منبع قدرت، اعتماد و فرصت تعبیر می‌شود. در این بستر، توسعه شبکه‌های اجتماعی و حرفه‌ای، به‌ویژه برای زنان، نقشی کلیدی در توانمندسازی اقتصادی، تقویت تاب‌آوری، و شکستن محدودیت‌های جنسیتی در محیط‌های بسته بازی می‌کند.

شبکه‌سازی اجتماعی و حرفه‌ای به مجموعه‌ای از تعاملات انسانی و حرفه‌ای اطلاق می‌شود که افراد را از طریق روابط میان‌فردی، گروهی و سازمانی به یکدیگر متصل می‌کند. این شبکه‌ها می‌توانند به صورت رسمی (مانند اتحادیه‌ها، انجمن‌های تجاری، سازمان‌های مردم‌نهاد و پلتفرم‌های آنلاین تخصصی) یا غیررسمی (مانند گروه‌های دوستانه، خویشاوندی، و محلات) شکل گیرند و نقش مهمی در تسهیل دسترسی به منابع، اطلاعات، بازار، آموزش، فرصت‌های شغلی و حمایت روانی ایفا کنند.

نقش شبکه‌سازی در توانمندسازی زنان کارآفرین

در جوامعی که زنان با محدودیت‌های قانونی، فرهنگی و اجتماعی مواجه هستند، شبکه‌سازی به‌عنوان یک استراتژی مؤثر برای غلبه بر موانع و تسهیل مشارکت اقتصادی مطرح می‌شود. این شبکه‌ها به زنان امکان می‌دهند تا:

۱. به اطلاعات بازار، آموزش‌ها و تجربیات موفق دسترسی پیدا کنند؛

۲. به سرمایه‌های مالی و انسانی دست یابند، حتی در غیاب حمایت رسمی از سوی دولت یا بانک‌ها؛

۳. اعتماد به نفس، انگیزه و قدرت چانه‌زنی در محیط‌های مردسالار را افزایش دهند؛

۴. همکاری و کارآفرینی مشارکتی را تجربه کنند؛

۵. از تجارب دیگران در عبور از موانع فرهنگی و قانونی بهره‌مند شوند.

وضعیت شبکه‌سازی در افغانستان پس از ۲۰۲۱

با درنظرگرفتن تحولات سیاسی و اجتماعی افغانستان در پس از ۲۰۲۱، نقش شبکه‌سازی بیش از پیش اهمیت یافته است. محدود شدن تحرک زنان، بسته شدن فضاهای آموزشی و حرفه‌ای، و عدم دسترسی به نهادهای مالی، زنان کارآفرین را ناگزیر کرده است تا شبکه‌هایی جایگزین، خلاقانه و مبتنی بر اعتماد شخصی یا جمعی ایجاد کنند.

برای مثال، بسیاری از زنان فعال در بخش‌هایی چون تولید خانگی، صنایع دستی، قالی‌بافی، زعفران و محصولات غذایی، توانسته‌اند با تکیه بر شبکه‌های محلی و دیجیتالی، بازار فروش، مواد اولیه، یا حتی مشاوره فنی را تأمین کنند. این روند به ویژه در پلتفرم‌هایی چون واتساپ، فیسبوک، اینستاگرام و لینکدین دیده می‌شود.

سرمایه اجتماعی به‌عنوان بنیان نظری شبکه‌سازی

از منظر نظری، شبکه‌سازی ارتباط مستقیمی با مفهوم سرمایه اجتماعی (Social Capital) دارد. سرمایه اجتماعی به میزان اعتماد، همکاری، و ارتباطات معنادار میان افراد در یک جامعه اشاره دارد. هرچه سرمایه اجتماعی قوی‌تر باشد، میزان تعاملات مؤثر و دسترسی به فرصت‌ها بیشتر می‌شود.

سه نوع سرمایه اجتماعی در این چارچوب مطرح است:

- **Bonding Capital** (سرمایه پیوندی): روابط نزدیک میان خانواده و دوستان؛
- **Bridging Capital** (سرمایه پل‌زننده): ارتباط با گروه‌های متنوع و گسترده‌تر در جامعه؛
- **Linking Capital** (سرمایه ارتباطی): ارتباط با نهادهای رسمی، سازمان‌های حمایتی و دولت.

زنان کارآفرین با بهره‌گیری از هر سه نوع این سرمایه‌ها، به‌ویژه در غیاب حمایت دولتی، می‌توانند شبکه‌ای از حمایت‌ها و فرصت‌ها ایجاد کنند که بر تاب‌آوری آن‌ها در برابر بحران‌ها و تبعیض‌های ساختاری بیفزاید.

حمایت‌های اقتصادی و نقش آن در توانمندسازی زنان کارآفرین افغانستان

حمایت‌های اقتصادی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که با هدف تقویت بنیه مالی، افزایش دسترسی به منابع، و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی گروه‌های خاص، به‌ویژه زنان، توسط نهادهای دولتی، غیردولتی، بین‌المللی و خصوصی ارائه می‌گردد. این حمایت‌ها شامل قرضه‌های کوچک، کمک‌های بلاعوض، تسهیلات مالیاتی، دسترسی به بازار، آموزش‌های مالی و فنی، و ایجاد زیرساخت‌های حمایتی می‌باشد.

اهمیت حمایت‌های اقتصادی در شرایط بحران‌زده افغانستان

پس از تحولات آگست ۲۰۲۱، بسیاری از زنان کارآفرین در افغانستان با کاهش شدید درآمد، تعطیلی مشاغل، تبعیض جنسیتی، محدودیت‌های قانونی و کاهش تقاضا روبه‌رو شدند. در چنین شرایطی، حمایت‌های اقتصادی توانستند نقش حیاتی در بقای اقتصادی و احیای دوباره‌ی فعالیت‌های زنان ایفا کنند.

برخی از مهم‌ترین اشکال این حمایت‌ها عبارتند از:

۱. حمایت مالی مستقیم: شامل وام‌های خرد (Microfinance)، پرداخت کمک‌های بلاعوض برای آغاز دوباره‌ی کسب‌وکار یا توسعه تولید. این منابع اغلب توسط سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای توسعه‌ای و یا بانک‌های توسعه‌ای ارائه شده‌اند.
۲. دسترسی به بازارهای جایگزین: برخی برنامه‌ها از طریق برگزاری نمایشگاه‌های مجازی، فروش آنلاین، یا اتصال به بازارهای بین‌المللی توانسته‌اند به فروش محصولات زنان کمک کنند.
۳. کاهش هزینه‌های عملیاتی: با کمک نهادهای خیریه و حمایت‌کننده، برخی از زنان توانسته‌اند هزینه‌های حمل‌ونقل، بسته‌بندی، یا تهیه مواد خام را کاهش دهند که این خود به تداوم فعالیت اقتصادی آن‌ها کمک کرده است.
۴. آموزش و ظرفیت‌سازی: آموزش‌های مالی، دیجیتال‌سازی، بازاریابی، حسابداری، برندینگ و مهارت‌های فنی به زنان کمک کرده‌اند تا در برابر شوک‌های اقتصادی مقاوم‌تر شوند و شیوه‌های نوآورانه‌تری برای فعالیت پیدا کنند.

موانع و چالش‌ها در بهره‌مندی از حمایت‌های اقتصادی

با وجود تأثیر مثبت حمایت‌های مالی، زنان کارآفرین همچنان با موانعی نظیر موارد زیر مواجه‌اند:

- عدم دسترسی به ضمانت‌نامه‌های بانکی یا اسناد رسمی؛

- نبود نهادهای مالی اسلامی که مطابق با شریعت خدمات ارائه دهند؛
- محدودیت‌های جابه‌جایی و عدم امکان حضور فیزیکی در بانک‌ها یا دفاتر؛
- تبعیض‌های جنسیتی در تخصیص منابع؛
- شفاف نبودن روند دریافت حمایت و نبود نهادهای واسطه‌ای قابل اعتماد.

در یک نگاه کلی، حمایت‌های اقتصادی اگر به صورت هدفمند، انعطاف‌پذیر و فراگیر طراحی و اجرا شوند، می‌توانند نقشی کلیدی در بازسازی اقتصادی، افزایش استقلال مالی، و توانمندسازی پایدار زنان افغانستان ایفا کنند. با گسترش این حمایت‌ها و تلفیق آن با شبکه‌سازی حرفه‌ای، می‌توان انتظار داشت که زنان حتی در محیط‌های دشوار نیز به فعالیت‌های کارآفرینانه خود ادامه دهند و به رشد اقتصادی کشور کمک کنند.

مشارکت زنان

مشارکت زنان در توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یکی از شاخص‌های کلیدی پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف نه تنها به بهبود شاخص‌های توسعه انسانی کمک می‌کند، بلکه موجب افزایش بهره‌وری اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی و ارتقای کیفیت حکمرانی نیز می‌شود.

در افغانستان، مشارکت زنان طی دو دهه گذشته پیش از سال ۲۰۲۱ با حمایت‌های بین‌المللی و برنامه‌های توسعه‌ای رو به افزایش بود. با این حال، همچنان چالش‌های عمیقی از جمله محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیش روی زنان قرار داشت. پس از تحولات سیاسی اوت ۲۰۲۱، مشارکت زنان به طور چشمگیری کاهش یافته است؛ به‌ویژه در زمینه‌های تحصیل، اشتغال و حضور در نهادهای مدنی.

در زمینه آموزش، تعطیلی مکاتب دخترانه پس از کلاس ششم موجب شد میلیون‌ها دختر از حق آموزش رسمی محروم شوند. بر اساس گزارش یونسکو (۲۰۲۳)، حدود ۸۰ درصد دختران در سن تحصیل از حضور در مدارس بازمانده‌اند که این امر تأثیر مستقیم بر فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی آینده آنان خواهد داشت.

در بخش نیروی کار، مشارکت زنان از ۲۱٪ در سال ۲۰۱۹ به حدود ۱۸٪ در سال ۲۰۲۱ کاهش یافته است (بانک جهانی، ۲۰۲۱). این کاهش، به‌ویژه با اعمال محدودیت‌های گسترده بر اشتغال زنان در بخش‌های غیردولتی و تعطیلی مراکز اقتصادی زنان، شدت بیشتری یافته است. همچنین، اشتغال زنان در افغانستان عمدتاً به صورت غیررسمی و بدون حمایت‌های قانونی و اجتماعی انجام می‌شود، به طوری که ۹۱٪ از زنان در مشاغل آسیب‌پذیر اشتغال دارند (UNDP, 2024).

در حوزه کارآفرینی، تنها ۲٪ از کسب‌وکارهای ثبت شده در افغانستان تحت مالکیت زنان قرار دارند. با این وجود، زنان افغان با استفاده از ظرفیت‌های موجود در جوامع محلی و تجارت‌های خرد، سعی در حفظ فعالیت‌های اقتصادی خود دارند، هرچند

عدم دسترسی به منابع مالی، نبود حمایت حقوقی، و فشارهای اجتماعی چالش‌های عمده‌ای برای آنان ایجاد کرده است (بانک جهانی، ۲۰۱۸).

در مجموع، مشارکت زنان در افغانستان همچنان با محدودیت‌های ساختاری و فرهنگی روبه‌رو است. با این حال، تجارب گذشته نشان می‌دهد که در صورت فراهم شدن فرصت‌های آموزشی، اشتغال و حمایت‌های قانونی، زنان می‌توانند نقش مؤثری در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا کنند. بنابراین، توانمندسازی زنان باید به عنوان یک اولویت اساسی در سیاستگذاری‌های توسعه‌ای افغانستان مدنظر قرار گیرد.

خوداتکایی زنان

خوداتکایی زنان (Women's Self-Reliance) به توانایی زنان برای بر عهده گرفتن مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی و تصمیم‌گیری مستقل بدون وابستگی به حمایت‌های بیرونی اشاره دارد. این مفهوم یکی از ارکان مهم توسعه پایدار و توانمندسازی زنان در جوامع مختلف به شمار می‌رود و در شرایط بحرانی، به ویژه در کشورهایی مانند افغانستان، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

مفهوم خوداتکایی: خوداتکایی زنان فراتر از تأمین مالی یا شغلی است؛ این مفهوم شامل افزایش اعتماد به نفس، مهارت‌های تصمیم‌گیری، دسترسی به منابع، و ظرفیت برای پیشبرد اهداف شخصی و اجتماعی می‌شود (UN Women, 2022).

نقش خوداتکایی در توانمندسازی اقتصادی: با دسترسی به آموزش، مهارت‌آموزی، و فرصت‌های کسب‌وکار، زنان می‌توانند به صورت مستقل درآمدزایی کنند. طبق گزارش بانک جهانی (۲۰۲۱)، زنانی که منابع مالی خود را کنترل می‌کنند، بیش از مردان درآمد خود را برای بهبود آموزش، سلامت و تغذیه خانواده هزینه می‌کنند.

خوداتکایی و مشارکت اجتماعی: زنانی که خوداتکا می‌شوند، تمایل بیشتری به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی دارند. خوداتکایی زنان منجر به ارتقاء نقش آنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری جامعه می‌شود و به کاهش تبعیض‌های جنسیتی کمک می‌کند (UNDP, 2023).

چالش‌های خوداتکایی زنان در افغانستان: پس از تحولات ۲۰۲۱، محدودیت‌های گسترده آموزشی، شغلی و حقوقی، مسیر خوداتکایی زنان افغان را با موانع جدی روبرو کرده است. محدودیت در تحصیل، ممنوعیت کار و محدودیت‌های اجتماعی مانع بزرگی برای ارتقاء استقلال اقتصادی و اجتماعی زنان شده است (Amnesty International, 2023).

اهمیت حمایت‌های ساختاری: تقویت خوداتکایی زنان نیازمند سیاست‌های حمایتی شامل دسترسی به آموزش، اعتبار مالی، شبکه‌های حمایتی اجتماعی و حفاظت از حقوق زنان است. سازمان ملل متحد (۲۰۲۲) تأکید دارد که بدون وجود محیط حمایتی، خوداتکایی پایدار زنان امکان‌پذیر نخواهد بود.

فرصت‌های اقتصادی برای زنان

فرصت‌های اقتصادی به مجموعه‌ای از شرایط، امکانات و منابعی گفته می‌شود که به زنان اجازه می‌دهد وارد بازار کار شوند، کسب‌وکار ایجاد کنند، دارایی مالی جمع‌آوری کنند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشارکت فعال داشته باشند. این فرصت‌ها یکی از عناصر کلیدی توانمندسازی زنان و توسعه اقتصادی پایدار در جوامع مختلف است.

فرصت‌های اقتصادی شامل دسترسی به شغل مناسب، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، سرمایه اولیه برای کسب‌وکار، حمایت‌های حقوقی و دسترسی به بازارها می‌شود (World Bank, 2021). بدون این فرصت‌ها، زنان قادر به تحقق استقلال اقتصادی و ارتقاء سطح زندگی خود نخواهند بود.

حضور فعال زنان در اقتصاد موجب افزایش تولید ناخالص داخلی، بهبود سطح رفاه خانوارها و کاهش فقر می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که مشارکت برابر زنان در بازار کار می‌تواند رشد اقتصادی جهانی را به طور قابل توجهی افزایش دهد (McKinsey Global Institute, 2020).

فرصت‌های اقتصادی در کشورهای بحران زده

در کشورهایی مانند افغانستان، فراهم کردن فرصت‌های اقتصادی برای زنان اهمیت بیشتری دارد. به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی، زنان به شدت به حمایت‌های هدفمند برای ورود به اقتصاد رسمی، آموزش مهارت‌های شغلی و دسترسی به منابع مالی نیاز دارند (UNDP, 2023).

موانع موجود در برابر فرصت‌های اقتصادی زنان

عواملی مانند تبعیض جنسیتی، محدودیت‌های آموزشی، عدم دسترسی به سرمایه، نبود سیاست‌های حمایتی، و قوانین محدودکننده از جمله موانع اصلی هستند که فرصت‌های اقتصادی زنان را محدود می‌کنند (ILO, 2022).

راهکارهای تقویت فرصت‌های اقتصادی زنان

برنامه‌های آموزشی ویژه برای مهارت‌آموزی، تسهیل دسترسی به قرضه‌های خرد، ایجاد محیط‌های کاری امن، حمایت از کارآفرینی زنان و توسعه سیاست‌های جنسیت‌محور از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند فرصت‌های اقتصادی را برای زنان افزایش دهند (UN Women, 2023).

در مجموع فرصت‌های اقتصادی برای زنان، به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی توسعه پایدار و عدالت اجتماعی، نقش مهمی در بهبود وضعیت رفاه، ارتقاء توانمندی فردی و رشد اقتصادی جوامع ایفا می‌کند. دستیابی به این فرصت‌ها مستلزم فراهم کردن زیرساخت‌هایی چون دسترسی برابر به آموزش، ایجاد فرصت‌های شغلی، تسهیل در سرمایه‌گذاری و حذف موانع حقوقی و اجتماعی است.

در بسیاری از جوامع، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه یا بحران‌زده مانند افغانستان، زنان با موانع متعددی از جمله تبعیض جنسیتی، محدودیت‌های فرهنگی و کمبود حمایت‌های اقتصادی روبرو هستند. این چالش‌ها نه تنها زنان را از مشارکت فعال در بازار کار بازمی‌دارد، بلکه روند توسعه اقتصادی کشور را نیز کند می‌کند.

ایجاد محیط‌های حمایتی، توسعه مهارت‌های حرفه‌ای زنان، تسهیل دسترسی به منابع مالی و تقویت چارچوب‌های قانونی برای حمایت از حقوق اقتصادی زنان می‌تواند مسیر را برای خوداتکایی اقتصادی و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های تجاری و تولیدی هموار سازد. فرصت‌های اقتصادی، نه تنها برای توانمندسازی زنان، بلکه برای شکوفایی اقتصادی کل جامعه ضروری است و باید به‌عنوان یک اولویت در سیاست‌های توسعه‌ای کشورها مورد توجه قرار گیرد.

تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی به ظرفیت جمعی جوامع برای مقابله، سازگاری و بازیابی از بحران‌ها، شوک‌ها و تغییرات ناگهانی اطلاق می‌شود. این مفهوم شامل توانایی حفظ انسجام اجتماعی، حمایت متقابل، بازسازی روابط و بازگشت به وضعیت پایدار در مواجهه با چالش‌هایی همچون جنگ، بلایای طبیعی، تغییرات اقتصادی یا بحران‌های سیاسی است.

در جوامعی که با بی‌ثباتی اقتصادی، خشونت، یا تبعیض ساختاری روبرو هستند، تاب‌آوری اجتماعی نقش حیاتی در بقای جمعی و توسعه پایدار ایفا می‌کند. این تاب‌آوری از طریق عواملی مانند سرمایه اجتماعی قوی (اعتماد، شبکه‌های اجتماعی، همکاری جمعی)، نهادهای اجتماعی پاسخگو، مشارکت فعال شهروندان، و دسترسی عادلانه به منابع ارتقاء می‌یابد.

برای زنان، تاب‌آوری اجتماعی نه تنها به معنای حمایت از یکدیگر در برابر تبعیض و محدودیت‌هاست، بلکه به معنای ایجاد شبکه‌های حرفه‌ای، تقویت رهبری زنان در جامعه، و توانمندسازی آنان برای بازسازی زندگی خود پس از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. در افغانستان پس از ۲۰۲۱، نمونه‌هایی از تاب‌آوری اجتماعی را می‌توان در ابتکارات محلی زنان، فعالیت‌های تعاونی، و ایجاد شبکه‌های حمایتی غیررسمی مشاهده کرد که در نبود حمایت رسمی، به تقویت بقای اقتصادی و اجتماعی زنان کمک کرده‌اند. در نتیجه، تاب‌آوری اجتماعی یک ابزار کلیدی برای مقابله با بحران‌ها و ساختن جوامع مقاوم‌تر، فراگیرتر و پایدارتر به‌شمار می‌آید.

توسعه مهارت‌ها

توسعه مهارت‌ها فرآیندی است که طی آن افراد توانایی‌ها، دانش و شایستگی‌های لازم برای انجام بهتر وظایف شخصی، حرفه‌ای و اجتماعی را کسب می‌کنند. این مفهوم نه تنها به ارتقاء مهارت‌های فنی (Hard Skills) مانند سوادآموزی، فناوری اطلاعات، حسابداری یا مهارت‌های فنی خاص یک حرفه مربوط می‌شود، بلکه شامل مهارت‌های نرم (Soft Skills) مانند ارتباط مؤثر، مدیریت زمان، حل مسئله، رهبری و کار گروهی نیز هست.

در زمینه توانمندسازی زنان، توسعه مهارت‌ها ابزاری حیاتی برای دستیابی به خوداتکایی اقتصادی، ارتقای نقش اجتماعی، و کاهش نابرابری جنسیتی به شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری در آموزش مهارتی برای زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان، می‌تواند به افزایش نرخ اشتغال، ارتقای سطح درآمد، بهبود کارآفرینی، و گسترش مشارکت اجتماعی آنان منجر شود.

برنامه‌های توسعه مهارت‌ها معمولاً شامل کارگاه‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای، آموزش کارآفرینی، آموزش دیجیتال، مهارت‌های مالی، زبان‌آموزی، و ارتقاء توانمندی‌های مدیریتی است. این آموزش‌ها، در کنار ایجاد فرصت‌های اقتصادی، توانایی زنان را برای رقابت در بازار کار و ایفای نقش مؤثر در توسعه جوامع خود افزایش می‌دهد.

در افغانستان پس از ۲۰۲۱، با وجود محدودیت‌های شدید بر آموزش رسمی برای زنان، برخی برنامه‌های غیررسمی توسعه مهارت‌ها همچنان به صورت ابتکاری و از طریق شبکه‌های محلی یا آنلاین به کار خود ادامه داده‌اند، و این امر نشانه‌ای از تاب‌آوری زنان افغان در برابر بحران‌های اجتماعی و اقتصادی است.

توسعه مهارت‌ها، شامل یادگیری مهارت‌های فنی و نرم، ابزاری حیاتی برای ارتقاء اقتصادی، اجتماعی و خوداتکایی زنان است. آموزش‌های مهارتی در زمینه‌های فنی، مالی، کارآفرینی و مدیریتی، نقش مهمی در افزایش فرصت‌های شغلی، کاهش نابرابری جنسیتی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی زنان، به ویژه در شرایط بحران، ایفا می‌کند.

نتیجه گیری

این مقاله با تمرکز بر توانمندسازی زنان کارآفرین، به بررسی نقش نهادهای حمایتی، چالش‌های موجود در جوامع بحران‌زده و تحولات پس از سال ۲۰۲۱ در افغانستان پرداخت. تحلیل‌ها نشان داد که زنان در شرایط بی‌ثبات اقتصادی و اجتماعی، بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شوند اما همچنان ظرفیت بالایی برای نقش‌آفرینی در بازسازی و توسعه جوامع دارند. نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و شبکه‌های اجتماعی حرفه‌ای، ابزارهای مهمی برای حمایت از زنان به شمار می‌روند و می‌توانند از طریق ارائه آموزش، منابع مالی و مشاوره‌های حقوقی، مسیر رشد اقتصادی و اجتماعی آن‌ها را هموار سازند.

نتیجه اصلی این است که موفقیت زنان در جوامع بحران‌زده تنها از طریق اقدامات جامع، سیاست‌های حمایتگر، آموزش مهارت‌های تخصصی و رفع تبعیض‌های ساختاری ممکن خواهد بود. توانمندسازی زنان نه تنها یک ضرورت حقوق بشری است، بلکه عاملی کلیدی در تحقق توسعه پایدار و بازسازی اجتماعی پس از بحران به شمار می‌آید. توانمندسازی زنان کارآفرین در جوامع بحران‌زده، با حمایت نهادهای بین‌المللی، رفع موانع ساختاری و ارتقای مهارت‌ها، مسیر توسعه پایدار و بازسازی اجتماعی را هموار می‌کند.

منابع

- NDP, REACH & TEPAV. (2024, April 16). *Listening to Women Entrepreneurs in Afghanistan: Their Struggle and Resilience*. UNDP Afghanistan. Retrieved from <https://www.undp.org/afghanistan/publications/listening-women-entrepreneurs-afghanistan-their-struggle-and-resilience>
- Reuters+9UNDP+9UNDP+9
- Seddiqi, B. S. (2022). Economic empowerment of women through self-help groups in Afghanistan: An exploration for sustainable development. *Kardan Journal of Economics and Management Sciences*, 5(3), 1–12. <https://doi.org/10.31841/KJEMS.2022.124> Kardan University+5ResearchGate+5Kardan University+5
- Human Rights Watch. (2022). *Afghanistan: Taliban policies deprive women of livelihoods*. Retrieved from <https://www.hrw.org> UNDP
- International Labour Organization (ILO). (2022). *Employment in Afghanistan in 2022: A rapid impact assessment*. Geneva: ILO. Retrieved from <https://www.ilo.org/media/7531/download> World Bank
- Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. *Development and Change*, 30(3), 435–464. <https://doi.org/10.1111/1467-7660.00125>
- McKinsey Global Institute. (2020). *The power of parity: Advancing women's equality in Asia Pacific*. Retrieved from <https://www.mckinsey.com> World Bank
- Rashid, A., & Edwards, M. (2022). *Social networks and gender roles: Pathways to empowerment in fragile states*. Kabul: AREU.
- UNAMA. (2022). *Afghanistan: Human rights report – Women's situation under Taliban rule*. Kabul: United Nations Assistance Mission in Afghanistan.
- UN Women. (2021). *Gender equality and women's empowerment in the world of work in fragile, conflict and disaster settings*. Retrieved from <https://shknowledgehub.unwomen.org/sites/default/files/2023-05/Gender%20equality%20and%20women%E2%80%99s%20%20empowerment.pdf>
- UNESCO. (2023, June 23). *Annual report on the status of women in Afghanistan*. Retrieved from <https://www.unesco.org> UNDP
- World Bank. (2020). *Empowering women for development: Afghanistan country brief*. Retrieved from <https://www.worldbank.org>
- World Bank. (2021, July 2). *Afghanistan's women self-help groups on the COVID-19 front lines*. Retrieved from <https://www.worldbank.org/en/news/feature/2021/07/02/self-help-groups-throw-villagers-a-lifeline-during-covid-19-pandemic> UNDP+5World Bank+5UNDP+5
- Rashid, A., & Edwards, M. (2022). *Self-help groups in Afghanistan: A ploy of economic and social empowerment of women for sustainable development*. Kabul: AREU. (Note: alternate title of entry #2)
- Afghanistan Women Chamber of Commerce and Industry (AWCCI). (2021). *Annual report on women entrepreneurship in Afghanistan*. Kabul: AWCCI.
- Ministry of Women's Affairs. (2012). *Women's economic empowerment in Afghanistan, 2002–2012: Progress report*. Kabul: Islamic Republic of Afghanistan.
- Independent Directorate of Local Governance (IDLG). (n.d.). *The role of women in the economic development of Afghanistan*. Kabul: IDLG.